



بررسی نقش میانجی‌گری سبک دلبستگی در رابطه میان صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی زوجین

گروه روانشناسی سلامت، مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران مهر، تهران، ایران
گروه روانشناسی سلامت، مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران مهر، تهران، ایران
گروه روانشناسی سلامت، مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران مهر، تهران، ایران

کامدین پارساکیا*^{id}

ولی اله فرزاد^{id}

مهدی رستمی^{id}

ایمیل نویسنده مسئول: kamdinparsakia@iranmehr.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰
<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۱ | پیاپی ۱۵ | ۶۰۷-۵۸۹
بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(پارساکیا و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

پارساکیا، کامدین، فرزاد، ولی اله، و رستمی، مهدی. (۱۴۰۲). بررسی نقش میانجی‌گری سبک دلبستگی در رابطه میان صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی زوجین. *خانواده‌درمانی کاربردی*. ۴(۱)، ۶۰۷-۵۸۹.

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطه بین صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی زوجین بود. **روش پژوهش:** این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی زوجین شاغل در ادارات خصوصی منطقه ۷ تهران در سال ۱۴۰۱ بود. از میان این افراد به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۰۰ زوج (۲۰۰ نفر) انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سبک دلبستگی کالینز (۱۹۹۶)، پرسشنامه صمیمیت زناشویی واکر و تامپسون (۱۹۸۳) و پرسشنامه تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده گردید. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که صمیمیت زناشویی یا تمایز یافتگی زوجین رابطه مستقیم دارد. همچنین نتایج نشان داد که سبک دلبستگی در رابطه میان صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی زوجین نقش تعدیل‌کننده دارد. **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که سبک دلبستگی ایمن می‌تواند موجب تقویت رابطه میان صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی زوجین شود. همچنین سبک دلبستگی نایمن می‌تواند موجب تضعیف رابطه میان صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی زوجین گردد.

کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی؛ صمیمیت زناشویی؛ تمایز یافتگی؛ زوجین.

مقدمه

خانواده نهاد مهم جامعه بشری است که زیربنایی‌ترین و اولین نهاد اجتماع به شمار می‌رود و اولین گام برای برپایی این نهاد اجتماعی، ازدواج است. ازدواج در همه جوامع مسئله مهمی تلقی می‌شود و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای بیشتر افراد، هدفی عمده و آرمانی به شمار می‌رود. به عبارتی دیگر، خانواده به عنوان مهم‌ترین واحد جوامع، و ازدواج اساسی‌ترین رابطه انسانی شناخته شده است؛ چراکه ساختار اولیه ایجاد رابطه خانوادگی و رشد نسل‌های بعدی را شکل می‌دهد (نوابی نژاد و همکاران، ۲۰۲۳). ازدواج مقدس‌ترین و پیچیده‌ترین رابطه میان دو انسان از دو جنس مخالف است که ابعاد وسیع و عمیق و هدف‌های متعددی دارد. ازدواج پیمان و پیوند مقدسی است میان دو جنس مخالف بر پایه روابط پایای جنسی، عاطفی و معنوی و بر اساس انعقاد قرارداد شرعی، اجتماعی و قانونی که تعهداتی را برای زوجین به وجود می‌آورد؛ بنابراین ازدواج یک تصمیم‌گیری ظریف و پیچیده است که قبل از هرگونه اقدامی باید تمام جوانب را در نظر گرفت (دربانی و پارساکیا، ۲۰۲۲).

در این راستا، یکی از متغیرهای مهم در روابط زناشویی صمیمیت زناشویی^۱ است. صمیمیت احساس نزدیکی، مشابهت و روابط فردی عاشقانه یا هیجانی با فرد دیگری است و از ملزومات آن شناخت و درک عمیق از دیگری و همچنین ابراز افکار و احساساتی است که حاکی از شباهت آنها با همدیگر است (لابریکیو و ویزمن، ۲۰۱۹). بر اساس تعریف باگاروزی (۲۰۰۱)، صمیمیت زناشویی فرایندی است که در آن زوجین اطلاعات، افکار و احساسات خود را با همدیگر در میان می‌گذارند و پاسخی حاکی از احساس درک شدن و پذیرش را دریافت می‌کنند (باگاروزی، ۲۰۰۱). صمیمیت، به صورت الگوی رفتاری بسیار مهمی مفهوم‌سازی شده است و دارای جنبه‌های عاطفی - هیجانی و اجتماعی نیرومندی است که بر پایه پذیرش، رضایت خاطر و عشق شکل می‌گیرد. صمیمیت تنها یک تمایل یا آرزو نیست، بلکه یک نیاز اساسی و واقعی بوده و مفهوم وسیعی دارد که شامل خودافشایی، رابطه و رضایت جنسی، نزدیکی هیجانی، بدنی و عقلی است (نعمت زاده گتایی و همکاران، ۱۴۰۱). صمیمیت زناشویی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تعیین عملکرد خانواده، به حالتی اطلاق می‌شود که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند (اصلانی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین، صمیمیت زناشویی یکی از مؤلفه‌های مهم کیفیت زندگی زناشویی محسوب می‌شود که با نزدیکی در رابطه، احترام، مهر و محبت و تمایلات جنسی همراه است. صمیمیت یکی از نیازهای طبیعی افراد محسوب می‌شود که می‌توان در رابطه امن و نزدیک زناشویی به آن پاسخ مناسب داد (کاردان و همکاران، ۲۰۱۸). صمیمیت، توانایی برقراری ارتباط با حفظ فردیت، سطح نزدیکی به همسر، اشتراک گذاشتن ارزش‌ها و ایده‌ها، فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن است. زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند، احتمالاً توانایی بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود را دارند و در نهایت رضایت زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند (میرزایی کندی و همکاران، ۲۰۲۳). در این راستا تعدادی از پژوهشگران صمیمیت زناشویی را احساس عینی خشنودی، رضایت، لذت زن و شوهر از تمامی روابط، انطباق بین همسران و عده دیگری صمیمیت زناشویی از یک رابطه را ارزیابی ذهنی فرد از آن

رابطه و سازگاری درونی و بیرونی زن و مرد می‌دانند، به طوری که در موقعیت‌های مختلف زندگی تفاهمی دوجانبه بین آنها به وجود آید (اوزمان و آتیک، ۲۰۱۰).

یکی از متغیرهای مهمی که در پژوهش‌های مختلف اهمیت آن در روابط زناشویی نشان داده شده است سبک‌های دلبستگی^۱ می‌باشد. نظریه‌پردازان تئوری دلبستگی معتقدند، انتظارات افراد هنگام ورود به روابط عاشقانه اغلب بر پایه روابط صمیمانه قبلی با مراقبان اولیه بر سبک دلبستگی و نحوه ارتباط با همسر و زندگی زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد (عدل پرور و همکاران، ۱۴۰۱). سه سبک دلبستگی ایمن^۲، اجتنابی^۳ و دوسوگرا^۴ در کودکی توصیف شده است که در بزرگسالی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. به اعتقاد بالبی (۱۹۷۷) عدم امنیت در دلبستگی منجر به اختلالات شخصیتی می‌شود و همچنین منجر به نگرانی ناتوان کننده در روابط نزدیک و ناتوانی در تنظیم عواطف منفی شدید می‌شود (شیرازی و همکاران، ۲۰۲۳). دلبستگی پیوند عاطفی عمیقی است که فرد با افراد خاص در زندگی خود برقرار می‌کند، به طوری که وقتی با آنها تعامل می‌کند، احساس نشاط کرده و هنگام استرس از این که در کنار آنها است، احساس آرامش می‌کند (اسلامی و همکاران، ۲۰۲۲). سبک دلبستگی زوج یکی از عوامل مهم استحکام رابطه زناشویی است، زیرا چارچوبی فراهم می‌کند که به فهم دقیق و بهتر این رابطه و شیوه‌های مقابله با تعارضات زوج کمک می‌کند (بوسمانز و همکاران، ۲۰۲۰). روابط عاشقانه را می‌توان به‌عنوان یک فرایند دلبستگی مفهوم‌سازی کرد. دلبستگی چارچوبی را فراهم می‌کند که به فهم دقیق و بهتر روابط زناشویی و شیوه‌های مقابله با تعارض زوج کمک می‌کند. دلبستگی مفهوم مهمی در مطالعات و درک شیوه‌های ارتباطی زوج است (کنت و همکاران، ۲۰۱۸). مطالعات نشان می‌دهد که همانند دلبستگی کودکی، دلبستگی عشقی و عاطفی بزرگسالان نیز روی رضایت از رابطه تأثیر می‌گذارد و این کار را با امنیت یا ناامنی انجام می‌دهد (اسلامی و همکاران، ۲۰۲۲). به عبارت دیگر، دلبستگی در بزرگسالی به شکل مشابه سیستم دوره کودکی عمل می‌کند (کیمز و همکاران، ۲۰۱۶).

تمایزیافتگی^۵ اساس نظریه بوئن است که توانایی فرد را برای تمایز فرآیندهای ذهنی و عاطفی، صمیمیت و استقلال از دیگران تعریف می‌کند (مگی و بیزانز، ۲۰۱۹). مفهوم تمایزیافتگی اغلب با استقلال یا فردیت برابری می‌شود. اگرچه تمایزیافتگی از برخی جهات شبیه فردیت یا جدایی است، اما این مفهوم دقیقاً به معنای جدایی نیست. تمایزیافتگی توانایی کاهش واکنش عاطفی افراد است تا فرد بتواند افکار و عقاید خود را بدون توجه به فشارهای اجتماعی بیان کند (باسر و همکاران، ۲۰۱۹). در نظام خانواده، زمانی که تمایزیافتگی زوجین زیاد باشد، زوجها به احتمال زیاد به درستی با تعارضها سازگار می‌شوند، اضطراب و واکنش‌های هیجانی و در نهایت آمیختگی کمتری دارند (جکیمویز و همکاران، ۲۰۲۱). تمایزیافتگی شامل نوعی ظرفیت درون فردی برای متمایز کردن تفکر و احساس و نیز توانایی بین فردی برای حفظ استقلال در روابط عمیق و صمیمی با افراد مهم زندگی است و نقش مهمی در کاهش تعارض زناشویی دارد. همسران تمایزیافته، انعطاف پذیرترند (بووز، ۲۰۱۹)، عقاید متفاوت یکدیگر را بهتر تحمل می‌کنند، واکنش

- 1 Attachment styles
2. Secure
3. Avoidant
4. Ambivalence
5. Differentiation

عاطفی کمتری نشان می‌دهند و بدون به خطر افتادن احساس استقلال فردی، صمیمیت عمیق را تجربه می‌کنند. کسی که مفهوم نیرومندی از خویشتن در اختیار دارد، عقاید محکم و باورهای کاملاً مشخصی دارد، و احتمالاً بهتر می‌تواند در برابر تغییرات، بر سر ارزش‌هایش باقی بماند (میرزایی کندی و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده پژوهش حاضر بر آن است تا به سؤال زیر پاسخ دهد: آیا سبک دلبستگی در رابطه میان صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی زوجین نقش میانجی ایفا می‌کند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش‌شناختی، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده مناطق ۱ تا ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۱ می‌باشد. حجم نمونه پژوهش بر اساس دیدگاه کلاین ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زوج) تعیین شد. به منظور نمونه‌گیری ابتدا از طریق شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای مراکز مشاوره انتخاب شد. سپس به شیوه نمونه‌گیری در دسترس شرکت‌کنندگان پژوهش انتخاب گردیدند. در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های دلبستگی بزرگسالان کالینز (۱۹۹۶)، صمیمیت زناشویی تامپسون و واکر (۱۹۸۳) و تمایز یافتگی خود اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) استفاده شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان. این پرسشنامه ۱۸ عبارتی توسط کالینز در سال ۱۹۹۶ تهیه شد و مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه آزمودنی را در طیف لیکرتی ارزیابی می‌کند. به هر سؤال نمره‌ای بر اساس کاملاً مخالفم = ۱ و کاملاً موافقم = ۵ تعلق می‌گیرد. این پرسشنامه سه سبک دارد. سبک دلبستگی ایمن شامل سؤال‌های ۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴ و ۱۷، دلبستگی اجتنابی شامل سؤال‌های ۳، ۴، ۷، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ و دلبستگی اضطرابی شامل سؤال‌های ۲، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ است که آزمودنی بر اساس نمره‌های به دست آمده در یکی از انواع سبک‌های دلبستگی جای می‌گیرد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۶). کالینز (۱۹۹۶) نشان دادند که نمره‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی در فاصله زمانی ۸ ماه و حتی در طول ۲ سال پایدار مانده‌اند. پژوهش عدل پرور و همکاران (۱۴۰۱) ضریب آلفای کرونباخ این ابزار برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۸، اجتنابی ۰/۷۲ و اضطرابی ۰/۷۷ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها و کل مقیاس بالاتر از ۰/۷۰ به دست آمد که حاکی از پایایی خوب پرسشنامه است.

۲. پرسشنامه صمیمیت زناشویی (MIS). این مقیاس که به وسیله تامپسون و واکر (۱۹۸۳) ساخته شده است دارای ۱۷ گویه است و برای سنجیدن میزان صمیمیت زوج‌ها تنظیم شده است. دامنه پاسخ‌ها از هرگز (۱) تا همیشه (۷) در مقیاس لیکرت است. نمرات آزمودنی از طریق جمع نمرات گویه‌ها و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می‌شود. حداقل نمره این پرسشنامه ۱۷ تا حداکثر نمره ۱۱۹ و نمره بالاتر نشان‌دهنده‌ی صمیمیت بیشتر بین زوجین است. این مقیاس با ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ گزارش شده و از همسانی خوبی برخوردار است (تامپسون و واکر، ۱۹۸۳). روایی محتوایی و صوری آن توسط ۱۵ نفر از اساتید مشاوره بررسی و پرسشنامه در مورد ۱۰۰ زن و شوهر در شهر اصفهان اجرا شد و ضریب پایایی کل مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمد که حاکی از پایایی قابل قبول پرسشنامه است. محاسبه

ضریب پایایی با حذف تک تک سؤال‌ها نیز نشان داد که حذف هیچ‌یک از سؤال‌ها تأثیر محسوسی در ضریب پایایی ندارد (نقل از نادری و آزادمنش، ۱۳۹۱). در پژوهش نادری و آزادمنش (۱۳۹۱) ضرایب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۳ گزارش شده که به‌طور کلی بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه یاد شده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۰ گزارش شد.

۳. پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI). این پرسشنامه توسط اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد طراحی و تدوین شده است و بر ارتباط‌های مهم زندگی و روابط جاری افراد با خانواده اصلی تأکید دارد. شامل ۴۶ سؤال است. پاسخ‌گویی به سؤال‌های پرسشنامه به صورت شش گزینه‌ای (ابتدا در مورد من صحیح نیست=۱ تا کاملاً در مورد من صحیح است=۶) درجه‌بندی شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۶ و حداقل آن ۴۶ می‌باشد. در این پرسشنامه نمره بیشتر به معنی سطوح بالاتر تمایز یافتگی و نمره کمتر به معنی سطوح پایین‌تر تمایز یافتگی است. در ایران توسط مهدی قلی و همکاران روایی تشخیصی پرسشنامه ۰/۵۷ و پایایی پرسشنامه به روش ترکیبی ۰/۸۴، و به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش شد.

شیوه اجرا. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بودند: تمامی افراد به صورت کتبی اطلاعاتی در مورد پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت می‌نمودند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد. پس از اخذ مجوز همکاری از سوی هر از این مراکز، اقدام به توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه شد و در نهایت جهت تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از نرم افزار SPSS و AMOS استفاده گردید. از این رو از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها

از لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پژوهش حاضر، با توجه به این که نمونه آماری پژوهش را زوجین تشکیل دادند لذا نیمی از آن‌ها مرد و نیمی دیگر زن بودند؛ همچنین میانگین (انحراف معیار) سن شرکت‌کنندگان ۳۰/۱۷ (۷/۵۵) سال بود و از لحاظ سطح تحصیلات اکثریت شرکت‌کنندگان (۹۳ نفر (۴۶/۵ درصد)) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بودند. در ادامه یافته‌های توصیفی پژوهش حاضر گزارش شده است.

جدول ۱. یافته‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشی‌دگی
تمایز یافتگی	۱۴۳/۶۱	۳۹/۱۴	۰/۷۸۸	-۰/۲۴۰
صمیمیت زناشویی	۴۷/۸۰	۱۳/۳۳	۰/۵۱۱	۰/۶۶۵
سبک دلبستگی ایمن	۱۲/۹۱	۴/۵۲	-۰/۴۴۰	۰/۹۲۲
سبک دلبستگی اضطرابی	۱۹/۲۳	۵/۱۶	۰/۴۰۲	-۰/۵۹۸
سبک دلبستگی اجتنابی	۲۰/۸۰	۵/۵۴	۰/۸۳۰	-۰/۷۱۰

در جدول فوق داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش آمده است. با توجه به این که چولگی و کشیدگی در بازه ۲- تا ۲ قرار دارد می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها از توزیع طبیعی برخوردار هستند. لذا می‌توان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده نمود. در ادامه ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش آمده است.

جدول ۲. نتایج ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲
۱. تمایز یافتگی	۱	
۲. صمیمیت زناشویی	۰/۲۰۳*	۱
۳. سبک دلبستگی ایمن	۰/۳۲۰**	۰/۳۱۹**
۴. سبک دلبستگی اضطرابی	-۰/۳۳۴**	-۰/۳۵۰**
۵. سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۳۳۲**	-۰/۳۲۸**

** $p < 0/01$ * $p < 0/05$

در جدول فوق ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. با توجه خطای ۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که همبستگی میان صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی ($r = 0/203$ و $p < 0/05$)، سبک دلبستگی ایمن و تمایز یافتگی ($r = 0/319$ و $p < 0/01$)، سبک دلبستگی اضطرابی و تمایز یافتگی ($r = -0/350$ و $p < 0/01$)، سبک دلبستگی اضطرابی و صمیمیت زناشویی ($r = -0/334$ و $p < 0/01$)، سبک دلبستگی اجتنابی و تمایز یافتگی ($r = -0/328$ و $p < 0/01$) و سبک دلبستگی اجتنابی و صمیمیت زناشویی ($r = -0/328$ و $p < 0/01$) معنادار است؛ به طوری که رابطه بین تمایز یافتگی با صمیمیت زناشویی و رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با صمیمیت زناشویی و تمایز یافتگی مستقیم و رابطه بین سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با تمایز یافتگی و صمیمیت زناشویی معکوس است.

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش مدل

مدل	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	CFI	NNFI
سه عاملی	۲/۸۰	۰/۰۸۳	۰/۹۳۴	۰/۹۷۷	۰/۹۶۰	۰/۹۴۳	۰/۹۴۴

جهت بررسی برازش مدل از شاخص‌های مندرج در جدول فوق استفاده شد. در صورتی که شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی کوچک‌تر از ۳ و شاخص‌های GFI، AGFI، CFI، NFI بالاتر از ۰/۹ و شاخص RMSEA کمتر از ۰/۱ باشد می‌توان گفت مدل از برازش بسیار مطلوبی برخوردار است. با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که این مدل دارای برازش مناسبی است.

جدول ۴. برآورد ضرایب اثرات مستقیم میان متغیرهای پژوهش

از متغیر	بر متغیر	پارامتر شده	استاندارد خطای استاندارد	t	معناداری
تمایز یافتگی	صمیمیت زناشویی	۰/۲۴	۰/۰۳	۲/۹۰	$P < ۰/۰۵$
	سبک دلبستگی ایمن	۰/۲۰	۰/۰۲	۲/۸۶	$P < ۰/۰۵$
	سبک دلبستگی	-۰/۲۵	۰/۰۲	۲/۹۳	$P < ۰/۰۵$
	اضطرابی				
	سبک دلبستگی	-۰/۱۹	۰/۰۴	۲/۸۲	$P < ۰/۰۵$
	اجتنابی				
سبک دلبستگی ایمن	صمیمیت زناشویی	۰/۳۰	۰/۰۱	۳/۱۷	$P < ۰/۰۵$
سبک دلبستگی	صمیمیت زناشویی	-۰/۳۱	۰/۰۱	۳/۲۲	$P < ۰/۰۵$
اضطرابی					
سبک دلبستگی اجتنابی	صمیمیت زناشویی	-۰/۳۸	۰/۰۱	۳/۵۱	$P < ۰/۰۵$

در جدول فوق پارامتر استاندارد شده، خطای استاندارد برآورد و نتایج آزمون t آورده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که اثر مستقیم تمایز یافتگی بر صمیمیت زناشویی ($\beta = ۰/۲۴$ و $t = ۲/۹۰$) معنادار است. همچنین اثر مستقیم تمایز یافتگی بر سبک دلبستگی ایمن ($\beta = ۰/۲۰$ و $t = ۲/۸۶$) معنادار می‌باشد. همچنین، اثر مستقیم تمایز یافتگی بر سبک دلبستگی اجتنابی ($\beta = -۰/۲۵$ و $t = ۲/۹۳$) معنادار است. همچنین اثر مستقیم سبک دلبستگی ایمن ($\beta = ۰/۳۰$ و $t = ۳/۱۷$)، اضطرابی ($\beta = -۰/۳۱$ و $t = ۳/۲۲$) و اجتنابی ($\beta = -۰/۳۸$ و $t = ۳/۵۱$) بر صمیمیت زناشویی معنادار است.

جدول ۵. ضرایب استاندارد شده اثرات مستقیم، اثرات غیرمستقیم و اثرات کل متغیرهای مدل

از متغیر	متغیر میانجی	بر متغیر	اثرات		معناداری
			مستقیم	غیرمستقیم کل	
تمایز یافتگی	سبک دلبستگی ایمن	صمیمیت زناشویی	۰/۲۴	۰/۰۶	$P < ۰/۰۵$
	سبک دلبستگی اضطرابی	صمیمیت زناشویی	۰/۲۴	۰/۰۸	$P < ۰/۰۵$
	سبک دلبستگی اجتنابی	صمیمیت زناشویی	۰/۲۴	۰/۰۷	$P < ۰/۰۵$

بر اساس مندرجات جدول فوق اثر غیرمستقیم تمایز یافتگی بر صمیمیت زناشویی با نقش میانجی گری سبک‌های دلبستگی نمایش داده است که همان طور که مشاهده می‌شود سبک‌های دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی رابطه میان تمایز یافتگی و صمیمیت زناشویی را تقویت کرده و به طور غیرمستقیم اثر کل تمایز یافتگی بر صمیمیت زناشویی را افزایش داده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی‌گری سبک دلبستگی در رابطه میان صمیمیت زناشویی و تمایزیافتگی زوجین انجام شد. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آماری یافته‌ها نشان داد که سبک‌های دلبستگی می‌تواند با ایفای نقش میانجی‌گر رابطه میان تمایزیافتگی و صمیمیت زناشویی را تقویت کند. این نتایج با نتایج به دست آمده توسط شیرازی و همکاران (۲۰۲۳)، ژانگ و ژانگ (۲۰۱۸)، شیرازی و همکاران (۱۴۰۱)، سلولن و همکاران (۲۰۱۸)، نعمت زاده گتایی و همکاران (۱۴۰۱)، بیژنی و همکاران (۲۰۲۳)، اسکورون و دندی (۲۰۰۴)، راتر (۲۰۱۸)، سومانتیکو و همکاران (۲۰۲۱)، عدل پرور و همکاران (۱۴۰۱)، سشتی و والنتینو (۲۰۱۶) و صابونچی و همکاران (۱۳۹۹) همسو بود.

در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت طبق نظریه بوئن می‌توان دریافت که روابط زوجینی که به خوبی تمایز یافته‌اند انتظار می‌رود نسبت به کسانی که تمایز یافتگی کمتری دارند، صمیمیت را به شیوه‌های سالم‌تری رشد دهند و حفظ کنند. از نظر بوئن صمیمیت یعنی دو نفر در عین حفظ جدایی خود، آن چنان با هم متعهد می‌شوند که گویی یک نفر هستند (بوئن، ۱۹۷۸). یک فرد تمایزیافته در مورد هویت خودش امنیت دارد و می‌تواند به طور آزادانه وارد ارتباطات صمیمی شود، اهداف معنی داری را دنبال کند و به احتمال بیشتری در همه ابعاد زندگی خودش موفق شود. تمایزیافتگی فرد را قادر می‌سازد تا بین عملکرد هیجانی و عقلانی از یک سو و روابط صمیمانه و خودمختاری از سوی دیگر تعادل ایجاد کند. افراد با سطح بالای تمایزیافتگی دارای انعطاف‌پذیری نقشی، تماس صمیمی بیشتر و از لحاظ هیجانی ظرفیت بالاتری برای نزدیکی و صمیمیت دارند (ژانگ و ژانگ، ۲۰۱۸). این افراد می‌توانند با تفاوت در عقاید با احساسات تهدیدزای دیگران بیشتر کنار بیایند و در موقعیت‌های تنش‌زا بهتر عمل کنند. ویژگی استدلالی، خودپیروی، هدفمندی، متعادل بودن، قضاوت اجتماعی درست، انتظارات تعدیل شده قدرت تصمیم‌گیری قوی، خود کنترل بودن، مقاوم در برابر اضطراب و قابل اعتماد بودن فرد را قادر می‌سازد تا موضع شخصی را در روابط حفظ کند (مالکیت افکار، رفتار و احساسات فرد و حفظ یک هدایت درونی) در حالی که بر صمیمیت و تماس با سایرین ارزش می‌گذارد (شیرازی و همکاران، ۱۴۰۱). فرد با تمایزیافتگی بالا سازگاری بهتر و بیشتر و توانایی بالاتری برای کنار آمدن با استرس را دارد و صمیمیت عاطفی بیشتری را نیز ضمن تشخیص و حفظ مرزهای مناسب تجربه می‌کند (سلولن و همکاران، ۲۰۱۸).

افراد با سبک دلبستگی ایمن، افرادی شاد، دوستانه و قابل اعتمادند که توانایی همدلی و پذیرش دیگران را دارند؛ بنابراین در صمیمی شدن با دیگران و نزدیکی بیشتر با افرادی مانند همسر به خوبی عمل می‌کنند. به بیان دیگر افراد بزرگسال با دلبستگی بالا تمایل افزون‌تری به ایجاد نزدیکی در روابط میان فردی خود دارند؛ در نتیجه میزان صمیمیت را در روابط بهبود می‌بخشند و سازگاری ارتباطی آنها افزایش می‌یابد (نعمت زاده گتایی و همکاران، ۱۴۰۱). در مقابل، ویژگی برجسته بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، ترس از صمیمیت و روابط دوستانه است. این افراد به شدت از ایجاد روابط صمیمانه و نزدیک‌گریزان بوده و به محض اینکه احساس می‌کنند روابط در حال نزدیکی است، ناهشیارانه از آن پرهیز می‌کنند. افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی، در روابط نزدیک و صمیمانه خود به طور ناهشیار روابط دوران کودکی با چهره دلبستگی را به خاطر می‌آورند. این یادآوری و انتقال موجب اضطراب ناشی از

طرد دوباره در روابط کنونی می‌شود. آنها برای گریز از تجربه دوباره اضطراب، از هر گونه نزدیکی و رابطه صمیمانه‌های دوری می‌کنند و از ابراز صمیمیت همسر خود رنج می‌برند. همچنین خوداتکایی و حس خودارزشمندی مفرط این افراد نیز زمینه‌های دوری و پرهیز از برقراری رابطه صمیمانه و اعتماد به دیگران از جمله همسر خود را فراهم می‌آورد. افراد با سبک دلبستگی دو سوگرا که با دل مشغولی و سواسی درباره صمیمیت و تلاش برای یکی شدن با دیگری مشخص می‌شوند، با نگرش منفی به خود و مثبت به دیگران، برای صمیمیت عاطفی و روابط نزدیک با دیگران ارزش اضافی قائل اند و به پذیرش دیگران برای حس بهزیستی شخصی وابسته اند. آنها از ترس کنار گذاشته شدن از سوی همسر یا دیگر افراد مهم زندگیشان، توانایی اندکی برای صمیمی شدن دارند. (نعمت زاده گتایی و همکاران، ۱۴۰۱). افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در برقراری روابط صمیمی راحت هستند، به دریافت حمایت از سوی دیگران تمایل نشان می‌دهند، تصویری مثبت از خود دارند و از دیگران توقعات و انتظارات مثبت دارند (بیژنی و همکاران، ۲۰۲۳). افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی خود را از لحاظ هیجانی سرد و دارای سوء ظن تلقی می‌شوند. آنها اعتماد و اتکا به دیگران را برای خود مشکل می‌بندند و هنگامی که دیگران خیلی با آنها صمیمی شوند احساس نگرانی می‌کنند. افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا خود را به عنوان افرادی که به درستی از جانب دیگران درک نشده و دارای کمبود اعتماد به نفس هستند، در نظر می‌گیرند و از این امر که دیگران آنها را ترک کرده یا به طور واقعی دوست نداشته باشند، احساس نگرانی می‌کنند (بیژنی و همکاران، ۲۰۲۳). نظریه پردازان تئوری دلبستگی معتقدند، انتظارات افراد هنگام ورود به روابط عاشقانه اغلب بر پایه روابط صمیمانه قبلی با مراقبان اولیه بر سبک دلبستگی و نحوه ارتباط با همسر و زندگی زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد (راتر، ۲۰۱۸). شلدون و همکاران (۲۰۱۷) دلبستگی بزرگسالان را به عنوان روابط دوه‌دویی می‌دانند که در کنار یک شخص ویژه دست یافتن به احساس ایمنی را در پی دارد. بر اساس نظرات هازان و شیور (۲۰۱۷) بزرگسالان ایمن از اعتماد به نفس، مهارت‌های اجتماعی و توانایی برقراری روابط عاطفی و صمیمی به نسبت پایدار و رضایت‌بخش برخوردارند. بزرگسالان اجتنابی ممکن است علاقه‌مند به برقراری روابط عاطفی و صمیمی باشند اما در هر حال از این نوع روابط ناراضی هستند و تمایلی به برقراری روابط صمیمی و درازمدت ندارند. عدم اعتماد به خود و دیگران از ویژگی‌های اصلی افراد نایمن می‌باشد. نداشتن اعتماد به خود، توان رویارویی با موقعیت‌های تنش‌زا را کاهش می‌دهد و درماندگی روان‌شناختی را بر فرد نایمن تحمیل می‌کند. دلبستگی ایمن، یک منبع درونی است که سلامت روان‌شناختی را در طول دوره‌های تنش حفظ می‌کند، در حالی که نبود منبع ایمن، مشکلات عاطفی را در پی دارد (سشتی و والتینو، ۲۰۱۶). اسکورن و دندی (۲۰۰۴) ادعا کردند سبک دلبستگی و تمایز یافتگی خود در ادبیات به جای هم به کار می‌روند. تمایز یافتگی خود، مستلزم توانایی کسب نوعی حس خودمختاری است. اگر تمایز یافتگی خود، در قالب توانایی مقابله با اضطراب و متفاوت بودن و جدایی از دیگران معنا شود، جزئی از نظریه دلبستگی محسوب می‌شود (اسکورن و دندی، ۲۰۰۴). بوئن (۱۹۷۸) این فرضیه را مطرح کرد که به دلیل تفاوت در فرایندهای هیجانی خانواده اصلی، صفات برجسته‌ای، افراد تمایز یافته و تمایز نیافته را از هم متمایز می‌کند. افراد با تمایز یافتگی بالا می‌توانند طیف وسیعی از هیجانات را تنظیم کنند و به خوبی با استرس کنار می‌آیند و احساس واضحی از خود دارند (کالاتراوا و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، افراد با تمایز یافتگی ضعیف به دیگران از طریق واکنش عاطفی یا برش

هیجانی پاسخ می‌دهند. آنها به طور مداوم به دنبال تایید و پذیرش دیگران هستند. علاوه بر این، افراد با تمایز ضعیف تمایل دارند که میزان بالاتری از مشکلات روانی و جسمی را تجربه کنند و تمایل به روابط اجتماعی ناخوشایند دارند (شیرازی و همکاران، ۲۰۲۳). تمایز یافتگی خود و دل بستگی رابطه‌ای قوی وجود دارد. سبک‌های دل بستگی و تمایز یافتگی خود را می‌تواند به عنوان فاکتورهای روانشناختی پایدار و چند نسلی در نظر گرفت که پایه‌هایی رابطه‌ای بزرگسالی مبنای آن بنا می‌شود (سومانتیکو و همکاران، ۲۰۲۱). آنچه ممکن است در نظریه بوئن به عنوان عامل مشکل زا در روابط می‌دانند و هر دو یک حس مثبت پیوستگی را عاملی برای ارتقای انعطاف پذیری و تحمل تفاوت‌ها قلمداد می‌شود. آنچه ممکن است در نظریه بوئن به عنوان یک همجوشی عاطفی تلقی شود، در رویکردهای دل بستگی محور به عنوان دل بستگی اضطرابی تلقی شود (شیرازی و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین، افراد با سبک دل بستگی ایمن در اکثر موقعیت‌ها احساس راحتی و امنیت می‌کنند و تجسمی مثبت، حمایت‌گر و پاسخ دهنده از همسر خود دارند ولی افراد دوسوگرا در موقعیت ناآشنا مشکل‌تر می‌توانند به احساس آرامش و آسایش دست یابند. آن‌ها بین کشش به سوی همسر و اجتناب از همسر در نوسانند. به این ترتیب آن‌ها به همسر خود نزدیک می‌شوند و سپس او را پس می‌زنند. این افراد به لحاظ خلق در برابر تنیدگی‌ها آسیب پذیرند. همچنین اعتماد فرد ایمن به دیگران که جزء مکمل اعتماد به خود می‌باشد، فرد را در جلب کمک به دیگران یاری می‌رساند. افراد با سبک دل بستگی ایمن، هم حمایت کننده هستند، اعتماد به نفس ویژه‌ای دارند و خطر پذیرند؛ به دنبال راهکارهای گوناگون برای حل مشکلات خود هستند و نسبت به سرانجام عمل خود امیدوارترند و خونگرمی و صمیمیت بیشتری نشان می‌دهند که این ویژگی‌ها رضایتمندی آن‌ها را از روابط با همسرشان و همچنین صمیمیت میان زن و شوهر را افزایش می‌دهد (عدل پرور و همکاران، ۱۴۰۱). فقدان اعتماد به خود و دیگران دو مشخصه اصلی افراد نایمن است. فقدان اعتماد به خود در مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی زا، درماندگی روانشناختی را به فرد نایمن تحمیل می‌کند و این حالت به احساس حقارت و اضطراب شخص دامن می‌زند. فقدان اعتماد به دیگران منجر به ایجاد فاصله و دوری و عدم حمایت از سوی دیگران می‌شود. از سوی دیگر، چسبندگی و کناره گیری افراطی و عکس العمل‌های هیجانی در مواقع ناکامی و بحرانی که از خصایص افراد با سبک دل بستگی نایمن می‌باشد، در چارچوب روابط سیستمی می‌تواند سلب تعارض و خصومت در روابط دو عضو زوج گردد. این ویژگی‌ها و احساس نایمنی در وجود آنها موجب می‌گردد که آنان احساس نارضایتی بیشتری در زندگی زناشویی خود داشته باشند. با توجه به اینکه افراد دارای سبک دل بستگی نایمن، در به اشتراک گذاشتن افکار و احساسات با دیگران ناتوانند، در واقع می‌توان گفت روابط فرد نایمن با همسر دارای ثبات نمی‌باشد که این خصلت دلخوری و عدم اعتماد زوجین را به دنبال دارد و منجر به تیره و تار شدن رابطه، کاهش ارتباطات ضعیف، عدم بخشش و صمیمیت پایین میان زوجین می‌شود (صابونچی و همکاران، ۱۳۹۹).

پژوهش حاضر مانند هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی مواجه بود که از جمله محدودیت‌های آن عبارت است از: محدود بودن جامعه آماری به ساکنین شهر تهران؛ استفاده از پرسشنامه خودگزارشی به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات؛ استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس به منظور نمونه‌گیری؛ وجود درصد خطا در تجزیه و تحلیل آماری به کار رفته در پژوهش. لذا با توجه به این محدودیت‌ها می‌توان اذعان نمود که

تعمیم یافته‌های پژوهش حاضر ممکن است با مشکلاتی مواجه بوده فلذا اکیداً توصیه می‌گردد که در تعمیم نتایج جوانب احتیاط رعایت شود. در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده و همچنین محدودیت‌های مطرح شده به پژوهش‌گران پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی روابط به دست آمده میان متغیرهای این پژوهش را مجدداً و با در نظر گرفتن متغیرهای دیگر و همچنین استفاده از ابزار اندازه‌گیری متفاوت برای این متغیرها و نیز اجرای پژوهش روی جامعه آماری متفاوت بپردازند. در نهایت پیشنهاد می‌شود زوج‌درمان‌گران و مشاوران خانواده برای فهم بهتر رابطه زناشویی به سبک دلبستگی هر یک از زوجین توجه بیشتری نموده و از نتایج به دست آمده در این پژوهش برای درک بهتر روابط میان‌فردی استفاده نمایند.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند.

سپاسگزاری

نویسندگان پژوهش حاضر بر خود لازم دانستند که از کلیه افرادی که در پژوهش شرکت نمودند، کمال تشکر و سپاس خود را ابراز نماید.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان این مقاله در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش داشتند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- اصلانی، خالد، عبدالهی، نیره، و امان‌الهی، عباس. (۱۳۹۶). رابطه سبک دلبستگی با تعهد زناشویی با میانجیگری تمایز یافتگی خود و احساس گناه در دانشجویان زن متأهل شهر اهواز. پژوهش‌های مشاوره، ۱۶ (۶۱): ۲۱۷-۱۸۸.
- شیرازی، عفت، قاسمی مطلق، مهدی، اسماعیلی شاد، بهرنگ، و بخشی پور، ابوالفضل. (۱۴۰۱). مدل‌یابی نشانه‌های شخصیت مرزی بر اساس دلبستگی: نقش میانجی تمایز یافتگی خود و بدتنظیمی هیجانی. خانواده درمانی کاربردی، ۳(۴)، ۱۸۵-۲۰۷.

- صابونچی، فرانک، دوکانه‌ای‌فرد، فریده، و بهبودی، معصومه. (۱۳۹۹). الگوی ساختاری رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری هیجان‌خواهی. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۱۴(۱)، ۱۱۹-۱۳۹.
- عدل پرور، عفت، صفائی راد، ایراج، عرفانی، نصرالله، و جدیدی، هوشنگ. (۱۴۰۱). پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی زنان در آستانه طلاق: نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۵)، ۱۱۷-۱۳۶.
- مهدی‌قلی، محمدرضا، دوکانه‌ای‌فرد، فریده، و جهانگیر، پانته‌آ. (۱۴۰۱). ارائه مدل پیش‌بینی دلزدگی زناشویی براساس تمایز یافتگی، هوش هیجانی و سلامت روان با میانجی‌گری تاب‌آوری در زوجین. خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۴)، ۳۴۷-۳۶۵.
- نادری، فرخ، و آزادمنش، پونه. (۱۳۹۱). مقایسه دلزدگی زناشویی، عملکرد خانواده و صمیمیت کارکنان زن و مرد. یافته‌های نو در روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی)، ۷(۲۲)، ۹۷-۱۱۲.
- هاشمی، سعداله، درتاج، فریبرز، سعدی‌پور، اسماعیل، و اسدزاده، حسن. (۱۳۹۶). الگوی ساختاری احساسات شرم و گناه بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین: نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی. روان‌شناسی کاربردی، ۱۱(۴): ۴۹۳-۴۷۵.

References

- Adl Parvar, E., Safai Rad, I., Erfani, N., & Jadidi, H. (2022). Predicting marital conflicts based on attachment styles of women on the verge of divorce: the mediating role of early maladaptive schemas. *Applied Family Therapy Quarterly*, 3(5), 117-136. (In Persian)
- Aslani, K., Abdulahi, N., & Amaolahi, A. (2017). The relationship between attachment style and marital commitment with the mediation of self-differentiation and guilt in married female students of Ahvaz city. *Counseling Research*, 16 (61), 188-217. (In Persian)
- Bagarozzi, D.A. (2001). *Enhancing Intimacy in marriage: A clinicians handbook*. Brunner-Routledge.
- Bijani, J., & Hashemi, N. (2023). Determining the contribution of attachment styles and coping styles in predicting the instability of married life with the mediating role of resilience in conflicted couples. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*, 4(3), 47-54.
- Bosmans, G., Bakermans-Kranenburg, M. J., Vervliet, B., Verhees, M. W., & van IJzendoorn, M. H. (2020). A learning theory of attachment: Unraveling the black box of attachment development. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 113, 287-298.
- Bowen, M. (1978). *Family Therapy in Clinical Practice*. New York: Jason Aronson.
- Bowes M.J. (2019). *Psychological adjustment, relationshipsatisfaction, and communication in bereaved parents using The Bowen Family Systems Theory*. A Dissertation Presented to The Graduate Faculty of The University of Akron.
- Bowlby, J. (1977). The making and breaking of affectional bonds: II. Some principles of psychotherapy: The Fiftieth Maudsley Lecture (expanded version). *The British Journal of Psychiatry*, 130(5), 421-431.
- Buser, T. J., Pertuit, T. L., & Muller, D. L. (2019). Nonsuicidal self-injury, stress, and self-differentiation. *Adultspan Journal*, 18(1), 4-16.

- Calatrava, M., Martins, M. V., Schweer-Collins, M., Duch-Ceballos, C., & Rodríguez-González, M. (2022). Differentiation of self: A scoping review of Bowen Family Systems Theory's core construct. *Clinical psychology review*, 91, 102101.
- Collins, N. L. (1996). Revised adult attachment scale. *Behavior Therapy*.
- Darbani, S. A., & Parsakia, K. (2022). The effectiveness of strength-based counseling on the self-esteem of marital conflicted women. *Psychology of Woman Journal*, 3(1), 46-55.
- Eslami, A., Sadeghi, M. S., & Panaghi, L. (2022). The moderating role of perceived attachment style in the relationship between a couple's attachment style and their level of forgiveness. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*, 3(2), 131-145.
- Hashemi, S., Dortaj, F., Saadipour, E., & Asadzadeh, H. (2017). Structural model of feelings of shame and guilt based on parents' parenting styles: the mediating role of attachment styles. *Applied Psychology*, 11(4): 493-475. (In Persian)
- Hazan, C., & Shaver, P. (2017). Romantic love conceptualized as an attachment process. In *interpersonal development* (pp. 283-296). Routledge.
- Jakimowicz, S., Perry, L., & Lewis, J. (2021). Bowen Family Systems Theory: Mapping a framework to support critical care nurses' well-being and care quality. *Nursing philosophy*, 22(2), e12320.
- Kent, B. V., Bradshaw, M., & Uecker, J. E. (2018). Forgiveness, attachment to God, and mental health outcomes in older US adults: A longitudinal study. *Research on aging*, 40(5), 456-479.
- Kimmes, J. G., & Durtschi, J. A. (2016). Forgiveness in romantic relationships: The roles of attachment, empathy, and attributions. *Journal of Marital and Family Therapy*, 42(4), 645-658.
- Labrecque, T., & Whisman, M. (2019). Extramarital sex and marital dissolution: Does identity of the extramarital partner matter? *Journal of Family Process*, 9, 271-287.
- Magee, C., & Biesanz, J. C. (2019). Toward understanding the relationship between personality and well-being states and traits. *Journal of personality*, 87(2), 276-294.
- Mehdi Gholi, M. R., Dokanei Fard, F., & Jahangir, P. (2022). Presenting a prediction model of marital burnout based on differentiation, emotional intelligence and mental health with the mediation of resilience in couples. *Applied Family Therapy*, 3(4), 347-365. (In Persian)
- Mirzaei Kondari, F., Abdi Zarrin, S., & Agha Yousefi, A. (2023). Comparison of marital conflict model based on self-differentiation and familism with the mediating role of intimacy and emotional maturity in traditional and modern families. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*, 4(3), 20-34.
- Naderi, F., & Azadmanesh, P. (2012). Comparison of marital burnout, family functioning and intimacy of male and female employees. *New Findings in Psychology (Social Psychology)*, 7(22), 97-112. (In Persian)
- Navabinejad, S., Rostami, M., & Parsakia, K. (2023). The Mediating Role of Emotional Intelligence In The Relationship Between Marital Conflicts And Tendency To Marital Infidelity In Couples. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling*, 5(1), 1-8.
- Ozman, O., Atik, G. (2010). Attachment styles and marital adjustment of Turkish married individuals. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5: 367-371.
- Sabunchi, F., Dokaneeifard, F., & Behbodi, M. (2020). The structural model of marital satisfaction based on attachment styles and primary maladaptive schemas with the mediation of sensation seeking. *Applied Psychology Quarterly*, 14(1), 119-139. (In Persian)

- Selonen, V., Fey, K., & Hämäläinen, S. (2018). Increased differentiation between individuals, but no genetic isolation from adjacent rural individuals in an urban red squirrel population. *Urban Ecosystems*, 21(6), 1067-1074.
- Seshti, T., Valentino, L. (2016). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*, Fifth ed. American Psychiatric Publishing.
- Sheldon, E., Keller, I., West, L. (2017). *Criminology*, Wadsworth, Cengage Learning.
- Shirazi, E., Ghasemi Motlagh, M., Esmaeili Shad, B., & Bakhshipour, A. (2023). Modeling borderline personality symptoms based on attachment: the mediating role of self-differentiation and mentalization. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*, 4(3), 141-150.
- Shirazi, E., Ghasemi Motlagh, M., Esmaili Shad, B., & Bakshipour, A. (2022). Modeling borderline personality symptoms based on attachment: the mediating role of self-differentiation and emotional dysregulation. *Applied Family Therapy*, 3(4), 185-207. (In Persian)
- Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary family therapy*, 26, 337-357.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The differentiation of self inventory: development and initial validation. *Journal of counseling psychology*, 45(3), 235.
- Sommantico, M., Iorio, I., Lacatena, M., & Parrello, S. (2021). Adult attachment, differentiation of self, and relationship satisfaction in lesbians and gay men. *Contemporary Family Therapy*, 43(2), 154-164.
- Walker, A.J. & Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and the Family*, 45, 841-849.
- Zhang, B., & Zhang, Y. (2018). An individual differentiated coexisting mechanism for multiple wireless body area networks based on game theory. *IEEE Access*, 6, 54564-54581.

پرسشنامه صمیمیت زناشویی

عبارات	هرگز به	گاهی	اغلب	اکثراً	تقریباً	همیشه
	ندرت					همیشه
۱. ما دلمان می‌خواهد اوقات خود را با هم بگذرانیم.						
۲. او نشان می‌دهد که مرا دوست دارد.						
۳. ما با یکدیگر روراست و صادق هستیم.						
۴. ما می‌توانیم انتقاد دیگری را از اشتباهات و خطاهای خود بپذیریم						
۵. ما از یکدیگر خوشمان می‌آید.						
۶. ما به یکدیگر عزت و احترام می‌گذاریم.						
۷. زندگی ما به خاطر باهم بودن خوب است.						
۸. از رابطه خودمان لذت می‌بریم.						
۹. او به احساس‌های من اهمیت می‌دهد.						
۱۰. ما احساس می‌کنیم که با هم یکی هستیم.						
۱۱. میزان خودخواهی در رابطه ما بسیار کم است.						
۱۲. او همیشه به فکر منافع و مصلحت‌های من است.						

-
۱۳. بودن او در زندگی ام از خوشبختی‌های من است.
 ۱۴. همیشه در کنار او احساس بهتری به من دست می‌دهد.
 ۱۵. او برای من مهم است
 ۱۶. ما یکدیگر را دوست داریم.
 ۱۷. من به این رابطه اطمینان دارم و روی آن حساب می‌کنم.
-

پرسشنامه تمایز یافتگی خود

آیتم‌ها

کاملاً در مورد من صحیح است	بسیار در مورد من صحیح نیست	آیتم‌ها				
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱) نظر مردم درباره من این است که بیش از حد عاطفی هستم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۲) ابراز احساسات به افرادی که برایم اهمیت دارند دشوار است.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳) غالباً از بروز احساساتم به خانواده ام خودداری می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴) من حتی تحت شرایط استرس زا، آرام می‌مانم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵) معمولاً برای برای شروع یک کار یا وظیفه بزرگ به تشویق زیادی از جانب دیگران نیاز دارم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶) اگر کسی که به من نزدیک است، مرا از خودش ناامید کند، مدتی از او کناره می‌گیرم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷) هر اتفاقی که در زندگیم بیفتد، معنای این که "چه کسی هستم" را از دست نمی‌دهم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸) می‌خواهم از مردمی که به من خیلی نزدیک می‌شوند، دوری کنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۹) می‌خواهم مطابق انتظاراتی که والدینم از من دارند، رفتار کنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱۰) کاش این قدر عاطفی(احساساتی) نبودم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۱) معمولاً برای خوشحال کردن دیگران رفتارم را به آسانی تغییر می‌دهم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱۲) دوستانم تحمل این که در مورد بعضی چیزها احساسات واقعی خود را برایشان بیان کنم، ندارند.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱۳) وقتی یکی از دوستانم از من انتقاد می‌کند، چند روز رنجیده خاطر می‌شوم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱۴) گاهی احساساتم وضع مرا بهم می‌زند و تفکراتم دچار مشکل می‌شود.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵) هنگام بحث با هر شخصی می‌توانم افکارم را درباره موضوع مورد بحث از احساساتم نسبت به آن شخص جدا کنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱۶) غالباً وقتی اشخاص به من خیلی نزدیک می‌شوند، احساس ناراحتی می‌کنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱۷) احساس می‌کنم حقیقتاً به تأیید تمام اشخاص زندگیم نیازمندم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱۸) گاهی می‌بینم که احساساتم دائم در نوسان است.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۹) به خاطر چیزهایی که نمی‌توانم آن‌ها را تغییر دهم، آشفته می‌شوم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۲۰) نگرانم که مبدا استقلال خود را در روابط صمیمانه از دست بدهم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۲۱) بیش از حد نسبت به انتقاد حساسم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۲۲) سعی می‌کنم مطابق انتظارات والدینم زندگی کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۳) من نسبتاً خودم را قبول دارم.

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۲۴) غالباً احساس می‌کنم دوستانم بیش از اندازه از من توقع دارند.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۲۵) اغلب به خاطر خوشحال کردن دیگران با آن‌ها موافقت می‌کنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۲۶) اگر با دوستم بحثی داشته باشم، تمام طول روز به آن فکر می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲۷) حتی اگر فشار دیگران باشم، می‌توانم به آن‌ها "نه" بگویم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۲۸) وقتی روابطم با یک نفر خیلی شدید می‌شود، احساس می‌کنم باید از آن بگریزم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۲۹) هنوز جر و بحث با والدین و خواهر و برادر(هایم) به من احساس بدی می‌دهد.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۰) اگر کسی از دست من آزرده شود، نمی‌توانم به آسانی از کنار آن بگذرم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۱) وقتی کاری انجام می‌دهم که فکر می‌کنم درست است، کمتر نگران تایید دیگران هستم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۲) برای کسب حمایت عاطفی هرگز فکر رو آوردن به اعضای خانواده ام را نمی‌کنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۳) غالباً وقتی دیگران برای کمک در تصمیم‌گیری در کنارم نباشند، احساس نا امنی می‌کنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۴) خیلی نگران آزرده شدن توسط دیگران هستم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۵) اعتماد به نفس من خیلی به نظر دیگران بستگی دارد.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۶) وقتی با دوستانم هستم، احساس خفگی می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۷) هنگام تصمیم‌گیری، کمتر نگران نظر دیگران هستم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۸) غالباً مطمئن نیستم چه اثری روی دیگران داشته ام.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۹) وقتی کاری خراب می‌شود، معمولاً صحبت درباره آن وضع را بدتر می‌کند.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۰) همه چیز روی من بیش از دیگران اثر می‌گذارد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۱) معمولاً صرف نظر از حرف دیگران کاری را می‌کنم که فکر می‌کنم درست است.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۲) اگر دوستانم فضایی را که نیاز دارم به من بدهند، روابط ما بهتر خواهد شد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۳) غالباً در شرایط استرس، تعادل خود را حفظ می‌کنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۴) گاهی بعد از بحث با دوستانم می‌خواهم استقراغ کنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۵) احساس می‌کنم مهم است قبل از تصمیم گرفتن، عقاید والدینم را بشنوم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۶) نگران بیمار شدن، صدمه دیدن یا آشفته شدن نزدیکان خود هستم.

پرسشنامه سبک دلبستگی

سوالات		نَه			کاملاً	
		مخالفم	مخالف	موافق	کاملاً مخالفم	کاملاً موافق
۱	ایجاد ارتباط با دیگران برایم آسان است.	۴	۳	۲	۱	۰
۲	مشکل به خودم اجازه می‌دهم که به دیگران وابسته باشم.	۰	۱	۲	۳	۴
۳	در روابطم اغلب نگرانم که طرف مقابل واقعاً دوستم نداشته باشد.	۰	۱	۲	۳	۴
۴	من دوست دارم به دیگران نزدیک شوم، دیگران به اندازه من تمایل ندارند.	۰	۱	۲	۳	۴
۵	دوست دارم به دیگران متکی باشم.	۴	۳	۲	۱	۰
۶	از اینکه کسی به من نزدیک شود ناراحت نمی‌شوم.	۰	۱	۲	۳	۴
۷	فکر می‌کنم وقتی به دیگران احتیاج دارم هیچگاه در دسترس نیستند.	۰	۱	۲	۳	۴
۸	از اینکه به مردم نزدیک باشم راحت نیستم.	۴	۳	۲	۱	۰

۴	۳	۲	۱	۰	۹	در روابطم اغلب نگرانم طرف مقابلم نخواهد ارتباطش را با من ادامه دهد.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۰	وقتی احساساتم بیان می‌کنم، می‌ترسم افراد احساس دیگری داشته باشند.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۱	در ارتباطاتم اغلب از خود می‌پرسم آیا طرف مقابل واقعاً به من توجه دارد.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۲	به راحتی می‌توانم با دیگران روابط دوستانه نزدیک برقرار کنم.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۳	وقتی کسی خیلی با من صمیمی می‌شود، عصبی می‌شوم.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۴	می‌دانم وقتی که دیگران نیاز داشته باشم، آن‌ها در دسترس خواهند بود.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۵	دلیم می‌خواهد به مردم نزدیک شوم اما می‌ترسم به من صدمه بزنند.
۰	۱	۲	۳	۴	۱۶	فکر می‌کنم که مشکل است که آدم به دیگران کاملاً اعتماد کند.
۰	۱	۲	۳	۴	۱۷	اغلب مردم می‌خواهند با من صمیمی‌تر بشوند تا من احساس راحتی کنم.
۰	۱	۲	۳	۴	۱۸	مطمئن نیستم که بتوانم به افراد تکیه کنم هنگام نیاز در دسترس باشم.

The mediating role of attachment styles in the relationship between marital intimacy and self-differentiation in couples

Kamdin. Parsakia^{1*}, Valiolah. Farzad² & Mehdi. Rostami³

Abstract

Aim: This study aimed to investigate the mediating role of attachment styles in the relationship between marital intimacy and couples' self-differentiation.

Method: This research is descriptive-correlation type. The statistical population of the present study included all couples working in private offices in the 7th district of Tehran in 2022. Among these people, 100 couples (200 people) were selected by the available sampling method. In order to collect data, Collins' (1996) Adult Attachment Style Questionnaire, Thompson and Walker's (1995) Marital Intimacy Questionnaire and Skowron and Friedlander's (1995) Self-Differentiation Inventory were used. Pearson's correlation coefficient and regression analysis were used for the statistical analysis of the data. **Results:** The findings showed a direct relationship between marital intimacy and couples' differentiation. Also, the results showed that attachment style moderates the relationship between marital intimacy and couples' differentiation. **Conclusion:** Based on the findings, a secure attachment style can strengthen the relationship between marital intimacy and couples' self-differentiation. Also, an insecure attachment style can weaken the relationship between marital intimacy and couples' self-differentiation.

Keywords: attachment style; marital intimacy; self-differentiation; couples.

1. *Corresponding author: Department of health Psychology, Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran

Email: kamdinparsakia@iranmehr.ac.ir

2. Department of health Psychology, Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran

3. Department of health Psychology, Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran